



سعودی‌ها با چه هدفی ۱۰۰ میلیون دلار برای سریال معاویه هزینه کرده‌اند؟ این سریال چقدر ارزش تاریخی و هنری دارد؟

روْیای بن سلمان



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

پخش سریال «معاویه» از شبکه «ام‌بی‌سی» با موجی از انتقادها از طرف پیروان دو مذهب اصلی دین مبین اسلام روبه‌رو شد و حسایی در فضای رسمی و غیررسمی توئیتری-اینستاگرامی جنجال به پا کرد. سریال «معاویه» که از آن به‌عنوان پرخرج‌ترین سریال جهان عرب یاد می‌کنند در «تونیس» جلوی دوربین رفت و مبلغی حدود ۷۵ تا ۱۰۰ میلیون دلار خرج روی دست عربستان سعودی به‌عنوان سرمایه‌گذار گذاشت. حتی شبکه «ام‌بی‌سی» عراق نیز با توجه به نظر کمیسیون رسانه و ارتباطات این کشور عنوان کرد پخش مجموعه تلویزیونی معاویه را از کنداکتور پخش خود حذف می‌کند تا این مسئله رابطه میان دو دولت سعودی و عراق را با خدشه مواجه نکند. القصة اینکه، سریال معاویه امکان مناسبی برای غرق شدن در دنیای حواشی است و جز این مطلقاً هیچ ارزش دراماتیک و تاریخ‌نگارانه‌ای ندارد. به عبارت دیگر، «معاویه» به‌خاطر پرداخت کودکانه و خام‌دستانه‌اش چندان لایق تحویل گرفته شدن و حتی «نقد» هم نیست چه برسد به اینکه مسئولان کشوری همچون عراق از طرف سعودی بخواهند پخش آن را برای جلوگیری از عمیق شدن شکاف میان شیعه و سنی متوقف کند! البته حساب مخاطب عام جداست و آن‌ها بدون توجه به این مسائل صرفاً برای سرگرم شدن سریال می‌بینند و نقدی از این بابت به آن‌ها وارد نیست. از این‌ها گذشته، بسیاری از سینما و تلویزیون به‌عنوان دو مدیوم مهم هنری-رسانه‌ای، نه برای آگاه شدن مخاطب، بلکه به‌منظور عمیق‌تر کردن شکاف میان مخاطب و واقعیت استفاده می‌کنند و این ابزار کاملاً در راستای منافع قدرت‌ها قرار دارد. در این نگاه سئو‌یه‌های چپ‌گرایانه موج می‌زند، اما اگر نیک بنگریم در می‌یابیم که این سخن گزاف و بی‌مایه‌ای نیست. «معاویه» در قالب و قامت، یک کار سفارشی و تابعی از رأی و نظر مقاطعه‌هنگدان خویش است و آن‌ها مختارند هرطور که دلشان می‌خواهد این شخصیت مهم ولی بدنام تاریخ اسلام را به مخاطبان بی‌حافظه خود معرفی کنند! اما آن‌ها باید بیش و پیش از هر چیز این نکته را لحاظ کنند که بازخوانی تاریخ در قاب تصویر نیاز به سواد سینمایی، تاریخی و دراماتیک بالایی دارد و نمی‌توان بدون این پیش‌نیازها به انجام کار مهیب و ترسناکی همچون تولید سریال معاویه دست زد و به صرف پول‌پاشی انتظار داشت مخاطب آن را در «بلندمدت» جدی بگیرد. با وجود این، «طارق العریان» و

معاویه همان بن سلمان است

امین حسام پژوهشگر

این روزها سریال‌برهنه‌زن «معاویه» که از شبکه‌ام‌بی‌سی عربستان‌سعودی در ماه مبارک رمضان به نمایش درمی‌آید، به‌سرعت به یکی از موضوعات داغ محافل رسانه‌ای و مجازی تبدیل شده است. این اثر با تمرکز بر زندگی معاویه بن ابی‌سفیان، بنیانگذار سلسله امویان، به یکی از حساس‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام می‌پردازد و به این خاطر از همان ابتدا موجی از واکنش‌ها را در میان مخاطبان جهان اسلام، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته است. تا لحظه‌ای که نگارنده این متن را یادداشت می‌کند ۷ قسمت این سریال پخش شده و براساس تحلیل‌هایی که از قسمت‌های پخش شده معاویه صورت گرفته، به‌نظر می‌رسد این اثر فارغ از روایت تاریخی خود، یک هدف مشخص داشته و آن چیزی نیست جز تلاش برای «بازآفرینی» (Rebranding) تصویر سیاسی محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان برای مخاطب عرب زبان، با بهره‌گیری از ریشه‌های تاریخی باشد.

این گزاره به چند دلیل قابل اثبات است.

شباهتی بحث‌برانگیز

یکی از نکات برجسته سریال، شباهت ظاهری و رفتاری لجن اسماعیل، بازیگر نقش معاویه، با محمد بن سلمان است. از ژست‌های بدنی گرفته تا نوع بیان و نگاه و حتی راه رفتن و آسان‌گذاری کلمات، این شباهت ناخودآگاه مخاطب‌را به یاد تصویرسازی رسانه‌ای ولیعهد عربستان در سال‌های اخیر می‌اندازد اما این تقلید ظاهری تنها بخش کوچکی از ماجراست.

شخصیت‌پردازی معاویه در سریال به گونه‌ای است که او را

امین بابازاده نویسنده و پژوهشگر

«من اولین پادشاه هستم!» می‌دانید این جمله از کیست؟ از معاویه. معاویه از کعب‌الاحبار شنیده بود که پیامبر در حدیثی فرموده‌اند: «خلافت پس از من ۳۰ سال خواهد بود و پس از آن نوبت پادشاهی است.» او یا از سر جهل این حدیث را آنگونه روایت می‌کرد که انگار برپایی پادشاهی یک صفت خوب برای اوست که بر زبان پیامبر جاری شده است و یا از سر عقل درصدد بود تا از حدیث مصادره به مطلوب نماید! هرچه بود اما سؤال این است که معاویه خلیفه بود یا پادشاه؟! در همین ابتدا بگویم که سریال معاویه هیچ ندارد؛ سریالی که برای تولیدش هزینه هنگفتی اعلام کرده‌اند؛ اما چیزی بیشتر از یک روایت تخب‌بی‌حاشیه از یک خلیفه مکتب سرمایه‌داری نیست. سریال از نظر قصه و درام هیچ جذباتی ندارد و انگار صرفاً برای نمایش یک معادل تاریخی از صدر اسلام برای حکمرانی برخی از حکام جهان عرب ساخته شده است. اگر هدف از ساخت این بوده باشد سرمایه‌گذاران سرمایه‌دار به مقصود رسیده‌اند.

اما آنچه در این فیلم یک تابوشکنی محسوب می‌شود تصویر خاصی است که از معاویه ارائه می‌دهد. در این سریال معاویه از همان ابتدا و بعد از فتح شام به فکر برپایی امپراتوری است! او قصد دارد با توسعه نیروی دریایی شسام خود را به پشت دیوارهای بلند قسطنطنیه برساند و با فتح قسطنطنیه و غلبه بر بیزانس اولین پرچم امپراتوری‌اش را در

«احمد مدحت» به‌عنوان کارگردانان مشترک اثر، با وجود سابقه نسبتاً قابل توجه در امر سریال‌سازی با قرار گرفتن در پشت دوربین «معاویه» نه‌تنها عیار ناچیز خودشان را اثبات کردند، بلکه نشان دادند حتی القبای کار فیلمسازی را هم بلد نیستند.

فیلمساز برای قبول‌اندن قرائت دروغین و خنده‌دار خود از تاریخ اسلام باید بتواند تماشاگرش را پیش از اقتاع کردن، «سرگرم» کند و مفاهیم اساسی و ضمنی‌اش را در لایه‌های درونی‌تر اثر به خورد او بدهد تا همه‌چیز در عین استنادنازد بودن، منطقی هم به‌نظر برسد. این دقیقاً رویکردی است که سازندگان معاویه هیچ نسبتی با آن برقرار نکرده‌اند و در راه نشان دادن «معاویه» به‌عنوان یک پروتاگونیست عملکردا و علاقه‌مند به مسئله توسعه به‌غایت خام‌دستانه عمل کرده‌اند. قرائت ام‌بی‌سی از اهل خانه «ابوسفیان» هم در نوع خودش بامزه است. برای مثال، ابوسفیان به خانه می‌آید، دور میز غذا، فرزندان و همسرش آماده خوردن غذا هستند، ولی او به یکباره عنوان می‌کند تا وقتی دخترش «ارمله» پای سفره حاضر نشده بقیه حق ندارند دست به غذای خود بزنند! این با توجه به روایت‌هایی که از سنت اعراب جاهلی موجود است یک دروغ واضح و مبهرن است، ولی اگر فیلمساز کارش را بلد بود و همچنین ابزار درام را می‌شناخت، می‌توانست کارش را پیش ببرد و این دروغ را در قالب یک بسته‌بندی شیک، منطقی جلوه دهد. پادشاهی سعودی تا همین چندسال پیش هیچ ارزش و اهمیتی برای نیمی از جامعه خود قائل نبود و ما به‌عنوان مخاطب، این واقعیت‌ها و پیوست تاریخی آن را می‌دانیم. حال این وظیفه فیلمساز است که در وهله اول کاشت‌هایی را در سطح بیرونی فیلمنامه برای قبول‌اندن این دروغ که اشراف قریش به زنان احترام می‌گذارند، پدید بیاورد تا تماشاگر بتواند آن را راست بشمارد ولی حتی زحمت این را هم به خود نمی‌دهد. یا مثلاً شخصیت هند جگرخوار در قسمت اول دشمن اسلام ترسیم می‌شود، اما بدون نشان دادن هیچ اتفاقی، در قسمت دوم تبدیل به «ام‌المؤمنین» می‌شود! آن هم در شرایطی که سریال در همان قسمت اول روی دور تند پیش می‌رود و تکلیف به دنیا آمدن معاویه، اسلام آوردن او، سرنوشت جنگ بدر و احد، قرار رمله از خانه ابوسفیان، دل‌بستگی معاویه به خواهرش و... را روشن می‌کند. ساختار و ساختمان بصری مجموعه «معاویه» شباهت زیادی به کلیپ‌های اینستاگرامی دارد ولی حتی به اندازه آن‌ها نیز نمی‌تواند جذاب به‌نظر برسد. درنهایت اینکه اثر موردنظر، کاری زمان‌پرشانه است که هیچ نسبیتی با واقعیت برقرار نمی‌کند و با توجه به عدم شناخت نسبت به مقوله درام در تاریخ کم خواهد شد.

۳ تغییرپارادایم؛ ازشیعه وسنی به توسعه وسنت

برخلاف انتظار اولیه که سسریال را دعوی تاریخی میان شیعه و سنی می‌دانستند، تمرکز اصلی سریال بر دوگانه «توسعه‌خواهی در برابر سنت و دین» است. معاویه در این روایت تصویری، با تکیه بر تجمل و رفاه‌طاهری، به‌عنوان پیشگام توسعه و پیشرفت معرفی می‌شود، در حالی که خلفا و امام علی(ع) به‌عنوان نگهداران سنت‌هایی ترسیم می‌شوند که گاه مانع تحولند. این نگاه، انعکاسی از سیاست‌های کنونی عربستان است که بن‌سلمان را به‌عنوان چهره‌ای نوگرا و گروه‌های سنتی و مفتی‌ها را به‌عنوان موانع پیشرفت معرفی می‌کند. این تغییر زاویه روایی، پیام مستقیمی به مخاطبان امروزی دارد: برای پیشرفت، باید از برخی قیده‌های سنتی و دینی گذشت.

۴ اعتراضات تاریخی وموضع الازهر

سریال با انتقادهای گسترده‌ای از سوی محققان و علما مواجه شده است. الازهر مصر، به‌عنوان یکی از مراکز معتبر اهل سنت، تماشای آن را حرام اعلام کرده و از تحریف تاریخ سخن گفته است. منتقدان ازجمله در فضای مجازی، به سادسازی وقایعی چون شورای خلافت پس از عمر یا روابط عثمان با معاویه اعتراض دارند و معتقدند سریال روایتی یک‌جانبه و غیرمستند ارائه می‌دهد. این انتقادات نشان می‌دهد سریال بیش از آنکه به‌دنبال دقت تاریخی باشد، هدف‌گذاری رسانه‌ای و ایدئولوژیک دارد.

۵ ضعف‌های فنی؛ چالشی برای جلب مخاطب

از منظر فنی و فرمالیستی، سریال در زمینه طراحی صحنه، لباس

سعودی‌ها با چه هدفی ۱۰۰ میلیون دلار برای سریال معاویه هزینه کرده‌اند؟ این سریال چقدر ارزش تاریخی و هنری دارد؟



و گریسم با مشکلات جدی روبه‌رو است. در زمینه لباس و گریسم بازیگران، شمایه هیچ‌عنوان اثری از یک سریال حرفه‌ای تلویزیونی که صد میلیون دلار خرجش کرده‌اند نمی‌بینید. خصوصاً آنکه برای ما ایرانی‌ها لباس‌ها و دکورهای معاویه یادآور سریال‌های ایرانی مانند «مختارنامه» هستند، اما با کیفیتی پایین‌تر. این شباهت‌ها، همراه با دکورهای ساده و سیاهی‌لشکر کم‌تعداد، از کمبود خلاقیت یا سوء‌مدیریت حکایت می‌کند به نحوی که این ضعیف‌ها، سریال معاویه را در مقایسه با آثار فاخر تاریخی ایرانی نظیر مختار و امام علی و مردان آنجلس کم‌اثر جلوه می‌دهد.

۶ جایگاه رسانه‌ای واهداف استراتژیک

سریال «معاویه» بخشی از استراتژی رسانه‌ای عربستان برای گسترش نفوذ فرهنگی است. با سرمایه‌گذاری در تولیدات تاریخی-مذهبی، ریاض می‌کوشد روایتی متمایز از تاریخ صدر اسلام ارائه دهد که با منافع سیاسی‌اش هم‌راستا باشد. این رویکرد، مشایه سریال‌هایی چون «عمر»، در راستای تقویت جایگاه عربستان در معادلات منطقه‌ای و جهانی طراحی شده است. نتیجه آن‌که سریال «معاویه» فراتر از یک اثر تاریخی-مذهبی، آینه‌ای از سیاست‌های معاصر عربستان است. با بازآفرینی معاویه به‌عنوان نمادی از نوگرایی و توسعه، این اثر تلاش می‌کند مشروعیت اقدامات محمد بن سلمان را تقویت کند. اما ضعف‌های تاریخی، فنی و انتقادات گسترده، از جمله موضع الازهر، نشان می‌دهد این سریال با چالش‌های جدی روبه‌روست. پیش‌بینی می‌شود این سریال نیز مانند سریال‌های پرخرج دیگر ام‌بی‌سی با یک برد اثرگذاری کوتاه‌مدت به‌فراموشی سپرده شود.

چیست؟ چرا در سریال به این موضوع پرداخته می‌شود اما به مسائل حکمرانی معاویه در منطقه شام که به تازگی به تصرف مسلمانان درآمده است نمی‌پردازد؟ حتی کوچک‌ترین اشاره‌ای به اعتراضات صحابه‌ای چون عباد بن صامت (قاضی فلسطین در دوران خلیفه دوم) به احکام غیر اسلامی معاویه مربوط به بازار نمی‌شود؟! به‌نظر چون تمام روایت روی هدف معاویه برای رسیدن به امپراتوری بزرگ متمرکز شده است.

حتماً سؤال می‌شود که مگر برپایی امپراتوری اسلامی چه اشکالی دارد؟ برای امپراتوری ملزوماتی دارد که با اساس اسلام در تعارض است؛ یک، تمرکز افراطی روی قدرت و غلبه بر دیگران برای نبی غیر خدا؛ دو، توجیه رفتارهای حکومت برای رسیدن به اهداف قدرت؛ سه، عدم توجه به مستضعفان به جهت درگیری بیش اندازه در قدرت؛ چهار، توجیه به قوانین مدنی و عرفی و عدم توجه به قوانین دینی و پنج، موروثی شدن حکومت در جهت حفظ آن.

معاویه که اتفاقاً در فتح قسطنطنیه شکست سنگینی متحمل می‌شود و بسیاری از نیروهایش پشت دیوارهای قسطنطنیه کشته می‌شوند، پس از آن شکست تلخ، یکی از مهم‌ترین کارهایی که برای برپایی امپراتوری بنی‌امیه پی‌گیری می‌کند بحث وراثت در حکومت است. او هفت سال و یا حتی شاید بیشتر سخت به دنبال جانشینی یزید برای خود است. اگر بعضی از اعتراضات به ولایت‌عهدی یزید را در تاریخ مطالعه کنید می‌بیند که اغلب معترضان به معاویه می‌گویند اینجا که

حکومت قیصری روم نیست که برای خود جانشین تعیین می‌کنی! معاویه اما می‌داند برای نیل به هدفش که برپایی امپراتوری بنی‌امیه است باید این اتفاق رخ دهد و به زور قطع و شمشیر می‌خواهد این سنگ‌بنای محکم را برای آن بگذارد که به واقع کریلا ختم می‌شود. به‌نظر حادثة کریلا دقیقاً برای مقابله با این انحراف بزرگ در حکمرانی اسلام است و امام حسین علیه‌السلام برای مقابله با این طرح معاویه قیام می‌کنند؛ وگرنه حکومت نوپای یزید اصلاً در حدی نبوده است

که امام حسین در مقابلش قیام کنند.

برپایی امپراتوری به تقلید از امپراتوری روم، بدون شک جدایی دین از سیاست را در پی خواهد داشت و معاویه در طول حکومتش بارها نشان داد که دقیقاً همین راه را می‌پیموده است. این از سفارشات ابوسفیان، پدر معاویه به بنی‌امیه که خلیفه سوم نیز از آنان است بود که «اسعی کنید خلافت را به سلطنت تبدیل کنید!»

حالا چه شده است در سریالی که درباره این شخصیت توسط عوامل و سرمایه‌گذاران اهل سنت ساخته می‌شود دقیقاً همین تصویر پادشاهانه از او را به نمایش گذاشته‌اند؟ این تغییر رویکرد از خلیفه به پادشاهی سؤال بزرگ این سریال است و مخاطب محترم باید به آن توجه داشته باشد. جالب‌تر اینکه تحریم سریال توسط الازهر مصر به خاطر نمایش چهره صحابه اعلام شده است. اما آیا نمایش چهره از نمایش پادشاهی یک خلیفه مهم اهل سنت که او را کاتب وحی می‌دانند خطرناک‌تر است؟!